

آسیب شناسی شبکه های اجتماعی در تقویت استحکام خانواده ایرانی

سید محسن فاضلی^۱

فاطمه عزیزآبادی فراهانی^۲

سید رضا صالحی امیری^۳

کامران محمدخانی^۴

علی باقی نصرآبادی^۵

۲۵

سال دوازدهم
بهار و تابستان ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۰/۱۲/۰۹

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۱/۰۱/۳۱

صص: ۳۶۱-۳۹۵

شاپا چاپ: ۶۳۲۸-۲۵۴۸
الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷

چکیده

هدف این پژوهش «تعیین آسیب شناسی شبکه های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی» می باشد. رشد روز افزون شبکه های اجتماعی و پیامدهای اجتماعی و فرهنگی آنها، مطالعه در خصوص این رسانه ها را حایز اهمیت و ضرورت کرده است. تحقیق حاضر از نظر هدف و ماهیت، کاربردی و از حیث روش اجرا، پیمایشی می باشد. برای جمع آوری داده ها، از روش میدانی و از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق را خانواده های که حداقل ۵ سال در استان قم زیر یک سقف زندگی کرده اند را تشکیل می دهند، که از میان آنها با توجه به جامعه نامحدود از جدول مورگان به تعداد ۴۰۰ نفر به روش نمونه گیری طبقه ای سیستماتیک انتخاب شده است. نتایج نشان داد با توجه به آزمون همبستگی پیرسون تمام شش فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار گرفته و با توجه به ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده، رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از شدت بالایی برخوردار می باشد. در تحلیل آزمون رگرسیون با توجه به مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 0.763$) بیان کننده تبیین نسبت بالاتر از متوسطی از واریانس متغیر وابسته، توسط ۶ متغیر مستقل تحقیق است؛ یعنی با ورود همه متغیرهای عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل عاطفی و روانشناختی، عوامل ارتباطی، عوامل والدینی و عوامل مراقبتی حدود ۷۶ درصد از تغییر پذیری استحکام خانواده ایرانی توسط این عوامل تبیین می شود. که این بدان معنی است تنها ۲۴ درصد تأثیرگذاری در استحکام خانواده ایرانی به عوامل دیگری وابسته است که باید در تحقیق جداگانه این عوامل نیز احصاء گردد.

کلیدواژه ها: شبکه های اجتماعی، آسیب های شبکه های اجتماعی، عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل عاطفی و روانشناختی، عوامل ارتباطی، عوامل والدینی و عوامل مراقبتی.

DOR:

- ۱ - دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت و برنامه ریزی فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (Email: mohsenfazeli58@gmail.com).
- ۲ - دانشیار گروه مدیریت امور فرهنگی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، (نویسنده مسئول)، (Email: f-azizabadi@srbiau.ac.ir).
- ۳ - دانشیار گروه مدیریت فرهنگی و رسانه، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، (Email: r-salehi@srbiau.ac.ir).
- ۴ - دانشیار گروه مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: k.mohamadkani@srbiau.ac.ir).
- ۵ - استادیار پژوهشکده فرهنگی اجتماعی، پژوهشگاه امام صادق (ع)، قم، ایران. (Email: baqi1341@gmail.com).

۱- مقدمه

با پیشرفت و گسترش صنعت ارتباطات در عصر حاضر که منجر به پیدایش شبکه‌های اطلاعاتی گسترده اینترنت شد، سرعت و حجم ارتباطات افراد در سطح دنیا افزایش پیدا کرد و گروه‌ها و شبکه‌های اجتماعی جدیدی در فضای آن صورت گرفت که ماهیت آن با شبکه‌های اجتماعی گذشته که در فضای حقیقی شکل می‌گرفت، متفاوت بود. این شبکه‌های اجتماعی سابقه‌چندان طولانی ندارند و نخستین شبکه‌های اجتماعی مجازی در سال ۱۹۹۷ آغاز به کار کرده‌اند. (سالوی و همکاران، ۲۰۰۸). این شبکه‌ها به افراد اجازه می‌دهند تا روابط اجتماعی خود را به صورت مجازی برقرار نمایند، به طوری که بدون نیاز به حضور در جمع مورد نظرشان، امکان برقراری ارتباط را داشته باشند (بورگاتی و کراس، ۲۰۰۳) و می‌توانند برای مسائل کاری، روابط احساسی، شناسایی افراد با ویژگی‌ها و علاقه‌مندی‌های مشابه خود، تفریح و سرگرمی و به اشتراک‌گذاری علایق مانند موسیقی، ورزش، هنری، فرهنگ- اجتماعی یا سیاست مورد استفاده قرار گیرند (حمد، ۲۰۱۳). مساری (۲۰۱۰) شبکه‌های اجتماعی مجازی را به عنوان یکی از جدیدترین فناوری‌های ارتباطی ارائه دهندگان فضای جهانی در حوزه‌های متعدد اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و سیاسی، که به کاربران برای حفظ روابط اجتماعی موجود، پیدا کردن دوستان جدید، تغییر و تکامل سایت‌ها و شریک و سهم شدن در تجربه‌ها کمک می‌کنند و زمینه عضویت، فعالیت و مشارکت هدفمند کاربران را فراهم می‌آورند، دانسته است.

فعالیت مداوم در این شبکه‌ها جدای از محاسنی که دارد، آسیب‌هایی را نیز به همراه دارد که سلامت روان افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گی، کروچر و بوریج (۲۰۱۰) سلامت روانی را استعداد روان برای هماهنگی، خوب و مؤثر کار کردن، در موقعیت‌های دشوار انعطاف‌پذیر بودن و برای ارزیابی خود تعادل داشتن تعریف کرده‌اند.

از طرفی ممکن است با فعالیت بیش از حد جوانان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی، تحت تأثیر آثار سوء آن قرار گیرند؛ زیرا در گذشته اساس ایجاد ارتباطات در جامعه، ارتباطات رودرو و چهره به چهره بوده است و از مجموعه‌ای از دوستان، آشنایان، افراد یک قوم و قبیله که نسبت به هم شناخت داشتند، تشکیل می‌شد. ولی امروزه فضایی که در شبکه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، اساس

تشکیل آن عدم وجود ارتباطات چهره به چهره و ردودرو است که معمولاً کاربران آن در اغلب موارد نسبت به هم شناخت ندارند و یا اگر دارند، بسیار کم و ناچیز است. البته ممکن است تعاملات رخ داده در این فضا به ارتباطات چهره به چهره که خارج از فضای مجازی اتفاق می افتد، نیز ختم شود. از جمله ابعاد منفی فضای مجازی می توان به انواع آسیب ها و ناهنجاری ها در حوزه های فردی، فرهنگی- اجتماعی، آموزشی، گرایش های سیاسی، استحکام و تزلزل خانواده و عوامل بهداشتی- روانی اشاره کرد. با توجه به هویت دینی و اسلامی جامعه ایران، این آسیب ها ممکن است اثرات سوء جبران ناپذیری بر روی جوانان و نوجوانان این مرز و بوم داشته باشد، زیرا شبکه های اجتماعی مجازی با ارضای هم زمان نیازهای عقلی، منطقی و عاطفی جوانان و نوجوانان، گروه های سنی مذکور را به سمت خود جذب کرده و مؤسسان جوامع مجازی از این فرصت برای انتقال مفاهیم اعتقادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مدنظر خود در قالب نرم و پنهان، نهایت استفاده را می برند (نجفی سولاری، ۱۳۸۹).

از آنجا که که استحکام خانواده ایرانی از اهمیت بالایی برخوردار می باشد، ولیکن عدم توجه ویژه به استفاده بیش از حد اعضای خانواده، از انواع شبکه های اجتماعی باعث آسیب های گوناگونی بین خانواده ها می گردد. از این رو محقق در این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این سوال است که « آسیب های استفاده بیش از حد شبکه های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی کدام است؟ » تا این آسیب ها را شناسایی کرده و احصاء نماید.

۲-پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی های به عمل آمده توسط پژوهشگر در زمینه تحقیقات صورت گرفته با عنوان آسیب شناسی شبکه های مجازی در حوزه استحکام خانواده ایرانی موارد زیر در دو قسمت تحقیقات داخلی و خارجی قابل ارائه می باشد:

پیر جلیلی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان « آسیب شناسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط خانوادگی زوجین (شهر تهران سال ۱۳۹۵) » پرداخته است. نتایج بر اساس یافته های پژوهش نشان داد استنباط نظری ناظر بر این بود که عضویت و استفاده زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام بدون آگاهی از سواد رسانه ای، منجر به تنش در روابط خانوادگی آنان خواهد شد.

رضائی و پورجلی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان « بررسی رابطه میزان ساعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی (مجازی) و میزان انسجام اجتماعی خانواده در بین خانواده‌های شهر نigde » پرداخته است. نتایج براساس آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد بین میزان ساعات استفاده از شبکه‌های مجازی و میزان انسجام خانواده رابطه معنی‌دار و معکوس وجود داشت و در بررسی ابعاد انسجام خانواده، متغیرهای میزان مطلوبیت روابط زناشویی و روابط فرزندان و والدین با میزان استفاده از شبکه‌های مجازی رابطه معنی‌دار و معکوس، اما با متغیر میزان مطلوبیت مناسبات خانوادگی رابطه معنی‌داری به دست نیامد. هم‌چنین بین نوع فعالیت رد شبکه‌های مجازی و میزان انسجام خانواده تفاوت معنی‌دار نبود، اما میزان انسجام خانواده‌ها بر حسب تحصیلات متفاوت گزارش شد.

نامنی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان « نقش میانجی گرایانه هیجان خواهی در رابطه اشتیاق به شبکه‌های اجتماعی و سبک دل‌بستگی با انسجام خانواده در زنان متأهل » پرداخته است. نتایج بر اساس یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه اشتیاق به شبکه‌های اجتماعی و سبک دل‌بستگی با انسجام خانواده در زنان متأهل یک رابطه خطی ساده نیست و هیجان خواهی می‌تواند این رابطه را میانجی نماید.

خجیر (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان « آسیب شناسی استفاده از شبکه‌های اجتماعی و نرم افزارهای تلفن همراه در خانواده‌ی ایرانی (با تأکید بر نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید) » پرداخته است. نتایج براساس یافته‌های تحقیق نشان داد مهم‌ترین قوت این شبکه‌ها و نرم‌افزار تلفن همراه قوی‌تر شدن پیوند بین اعضای خانواده‌ای که به لحاظ جغرافیایی از هم دور هستند و تقویت ارتباطات ارزان، دائمی و مناسب بین اعضای خانواده و مهم‌ترین ضعف طراحی ساختار شبکه‌ها بر اساس فرهنگ غرب و عدم تطابق آن با محیط ایرانی اسلامی خانواده (برخلاف شبکه‌های بومی)، مهم‌ترین فرصت استفاده از ظرفیت آنها در معرفی فرهنگ اصیل خانواده‌ی ایرانی اسلامی و گسترش آن در بین کاربران و مهم‌ترین تهدید تغییر سبک زندگی و ترویج جدایی خانواده به مثابه مهم‌ترین نهاد اجتماعی در فرهنگ اسلامی و ایرانی است.

حسین‌پور و عرب مومنی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان « تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر هویت نهاد خانواده » پرداخته است. نتایج براساس یافته‌های تحقیق نشان داد که بین شبکه‌های اجتماعی

مجازی و هویت نهاد خانواده رابطه معناداری وجود دارد. بدین ترتیب که برخی ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله محیط تعاملی، فضای صمیمی و احساس رضایت، گروه‌ها و اجتماعات مجازی و محتوا و تولیدات شبکه‌های اجتماعی تأثیر غیرقابل انکاری بر هویت نهاد خانواده و ارزش‌های این نهاد مقدس داد.

رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات جاری در خانواده‌ها» پرداخته است. نتایج بر اساس یافته‌های تحقیق نشان داد که تفاوت معناداری بین زوجین کاربر و غیرکاربر شبکه‌های اجتماعی مجازی از نظر سست شدن پیوندهای خویشاوندی، گرایش‌های انزواجویانه، عدم پابندی به تعهدات زناشویی، سردی روابط و بی‌اعتمادی زناشویی وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر، نشانه آن است که در مجموع ۶۴٪ تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران بستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی دارد.

هدایتی و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایل محور در زمینه تربیت دینی» (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز) پرداخته است. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده، نوع استفاده، میزان مشارکت و فعال بودن کاربران و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب شبکه‌های اجتماعی مجازی با تربیت دینی همبستگی معکوسی وجود دارد؛ یعنی هر چه مدت زمان عضویت، میزان استفاده، میزان مشارکت و فعال بودن دانش‌آموزان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی موبایلی افزایش پیدا می‌کند و آن‌ها محتوای این شبکه‌ها را بیشتر واقعی تلقی می‌کنند و نوع استفاده‌شان هدف‌مندتر می‌شود از میزان تربیت دینی‌شان کاسته می‌شود.

فلاحی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل کیفی و کمی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در ساختار خانواده» پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان داد، صرف حضور افراد و استفاده آنان از فناوریهای مرتبط با شبکه‌های اجتماعی نمی‌تواند به آسیب‌هویی و پیدایش گسست در نهاد خانواده منجر شود؛ بلکه با شناخت، رعایت و کنترل جوانب ابعاد حاکم بر این پدیده، افراد می‌توانند با حضور در این فضا حمایت‌های نسبی به دست آورند هم‌چنین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی

مجازی با سرمایه اجتماعی پیوندی درون خانواده (درون گروهی) رابطه معناداری ندارد ولی نوع استفاده کاربران در این فضا با احساس تعلق خانوادگی همبستگی معناداری دارد.

مزینانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی به مطالعه بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت دینی کاربران پرداخته است. تحلیل یافته‌های این مطالعه که هویت دینی کاربران را در پنج حیطه احساس، باور و اعتقاد، روابط صمیمی با خانواده، عملکرد آموزشی والدین در حوزه دین و پابندی والدین به ارزش‌ها و اعتقادات دینی مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد، نشان از آن دارد که صرف حضور و استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تضعیف هویت دینی کاربران تأثیر معناداری ندارد ولی نوع استفاده از این شبکه‌ها از نظر استفاده کاربردی و یا تفریحی، مدت زمان طولانی حضور در این شبکه‌ها و همچنین هدف استفاده کاربران از این شبکه‌ها در تضعیف هویت دینی کاربران و تمایل آنان در حرکت از هویت سنتی و اصیل دینی به سمت هویت بازتابی و مدرن تأثیر گذار است.

بینام (۱۳۹۲)، در پیمایشی بین دانشجویان به بررسی رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و گرایش دینی کاربران عضو این شبکه‌ها پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که بین استفاده از شبکه‌های مجازی و کاهش گرایش دینی، اعتقادات دینی و میزان پابندی دینی رابطه وجود دارد.

قاسمی و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی با عنوان تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان پرداخته است. یافته‌های وی نشان دهنده آن است که بین مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در استفاده از فیس‌بوک رابطه معنادار و معکوس و بین واقعی تلقی کردن محتوای فیس‌بوک و هویت دینی کاربران رابطه معنادار مثبتی وجود دارد. یعنی هر چه مدت زمان عضویت، میزان استفاده و میزان مشارکت و فعالیت کاربران در استفاده از فیس‌بوک افزایش پیدا می‌کند از برجستگی هویت دینی نزد آنها کاسته می‌شود.

تیلر (۲۰۱۲)، در پژوهشی نشان می‌دهد که شبکه‌های اجتماعی مجازی در ترکیب بانفوذ قدرت‌های غربی، حرکتی را به سوی همگن‌سازی جهان آغاز کرده‌اند که این حرکت سبب ایجاد تضاد و ستیز در جهان و حرکت برخی ملت‌ها به سوی شکست و تضعیف هویت ملی و سنت‌های‌شان شده است. همچنین وی معتقد است که به واسطه این شبکه‌های اجتماعی مجازی افراد قابل توجهی در سراسر

دنیا در این تعامل با یکدیگر قرار گرفته‌اند و با فرهنگ و عقاید بیگانه رو به رو شده‌اند و در خصوص از دست دادن هویت‌های ملی و دینی‌شان احساس خطر کرده‌اند.

کمپل (۲۰۱۲)، در پژوهشی تحت عنوان «رابطه بین استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک و دین‌داری در بین بزرگسالان»، حاکی از آن است که استفاده از شبکه اجتماعی فیس‌بوک باعث تضعیف دین‌داری (گرایش دینی، اعتقادات دینی و میزان پایبندی دینی) کاربران خود می‌شود.

گراسموک (۲۰۰۹)، در پژوهشی با استفاده از روش پیمایش به بررسی تأثیر فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی همچون اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی پرداخته است. یافته‌های وی حاکی از آن است که با افزایش استفاده از این رسانه‌های نوین، دین‌داری و پایبندی دینی جوانان کاهش پیدا می‌کند.

نقد پیشینه تحقیق:

تحقیقات صورت گرفته در زمینه پیشینه پژوهش هر کدام مباحث مختلفی را در مورد مسئله پژوهش به خود اختصاص داده‌اند. این مباحث از بعضی جهات دارای نکات مثبت و مهمی هستند. زیرا هر کدام از آن‌ها به موضوعات و مباحث مختلفی در رابطه با آثار و پیامدهای فضای مجازی بر روی ابعاد مختلف خانواده اشاره دارند. منتهی مسئله اینجاست که بیشتر پژوهش‌های داخلی و خارجی صورت گرفته، فقط به تأثیر و پیامدهای اینترنت و شبکه‌های اجتماعی بر روی خانواده پرداخته‌اند و هیچ پژوهش مهمی به صورت پیمایشی در زمینه آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی صورت نگرفته است که ما در این تحقیق به دنبال شناسایی این آسیب‌ها هستیم.

۳- مبانی نظری تحقیق:

پیشرفت در فناوری اطلاعات راه و روش انسان را در ثبت و ضبط تاریخ تغییر داده است، این تغییر بر نحوه تعامل افراد با یکدیگر نیز تأثیر گذار بوده است. شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین این ابزارها، با قابلیت‌ها و امکانات خود نه تنها تأثیر عمیقی بر جنبه‌های اجتماعی کاربران در جوامع گوناگون گذارده، بلکه در زمینه‌های مختلف کاربرد فراوان یافته است. یک شبکه اجتماعی، مجموعه‌ای از سرویس‌های مبتنی بر وب است که این امکان را برای اشخاص فراهم می‌آورد که

توصیفات عمومی یا خصوصی برای خود ایجاد کنند، یا با دیگر اعضای شبکه ارتباط برقرار کنند، منابع خود را با آن‌ها به اشتراک بگذارند و از میان توصیفات عمومی دیگر افراد، برای یافتن اتصالات جدید جستجو کنند.

براساس تعریفی دیگر، شبکه‌های اجتماعی، خدمات آنلاینی هستند که به افراد اجازه می‌دهند در یک سیستم مشخص و معین پروفایل شخصی خود را داشته باشند، خود را به دیگران معرفی کنند، اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند و با دیگران ارتباط برقرار کنند. از این طریق افراد می‌توانند ارتباطشان با دیگران را حفظ کرده و همچنین ارتباط‌های اجتماعی جدیدی را شکل دهند (بوید و دیگری، ۲۰۰۷: ۱۲).

در سال‌های اخیر، با ارائه نسل‌های جدید تلفن‌ها و تبلت‌های هوشمند به بازار، شبکه‌های اجتماعی و نرم‌افزارهای اجتماعی وارد تلفن‌های همراه شدند و توانستند کاربران زیادی را جذب کنند. علاوه بر این، ارائه نسل‌های سه و چهار شبکه تلفن همراه، زیرساخت ارتباطی مورد نیاز برای توسعه رسانه‌ها و نرم‌افزارهای اجتماعی را در تلفن همراه فراهم کرد. از مهمترین شبکه‌های اجتماعی می‌توان ایتا، سروش، روبیکا، تلگرام، واتس‌آپ، و ... را اشاره نمود.

چارچوب نظری:

احصاء تأثیرات اجتماعی حضور در فضای مجازی و کاربری شبکه‌های اجتماعی بر خانواده، به طور کلی و بدون در نظر گرفتن مدت زمان عضویت، میزان استفاده، انگیزه و هدف، واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده و میزان مشارکت و فعالیت اعضای خانواده در این فضا، کار بسیار دشواری است؛ چرا که شبکه‌های مجازی، نه فقط یک ابزار برای تولید و انتقال اطلاعات است بلکه محیطی مجازی برای زیست در این فضاها هستند و بدیهی است که در این فضای مجازی بی‌نهایت رفتار و کنش متفاوت اتفاق می‌افتد. به همین منظور، در پژوهش حاضر، برای دستیابی به مدت زمان عضویت، میزان استفاده و واقعی تلقی کردن محتوای مطالب ارائه شده در این شبکه‌ها از نظریه کاشت گربنر، برای مطالعه انگیزه و هدف کاربران شبکه‌های اجتماعی از نظریه استفاده و رضایت مندی، و برای بررسی میزان فعال بودن کاربران در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی از نظریه ساختیابی گیدنز استفاده شده است که در ادامه به اختصار به این نظریات اشاره می‌شود:

۳-۱. نظریه کاشت

نظریه کاشت یا پرورش گربنر، بر کنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می کنند و نیز بر چگونگی تأثیر گذاری رسانه ها بر مخاطبان تأکید دارد. فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت پنداری در محتوا و برنامه های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد. به این صورت که ساعت های متمادی مواجهه با رسانه ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش و دیدگاه های موافق با محتوای رسانه می شود. در واقع، نظریه پرورش با تعیین میزان و نوع برنامه های مورد استفاده از رسانه ها، میزان تأثیر را مطالعه می کند تا به ساز و کار و نحوه تأثیر دست پیدا کند (عباسی و قادی و دیگری، ۱۳۹۰: ۸۱).

نظریه کاشت یکی از گونه های اثر رسانه ها در سطح شناختی بوده و مربوط به این موضوع است که قرار گرفتن در معرض رسانه ها، تا چه میزان می تواند به باورها و تلقی عموم افراد جامعه از واقعیت خارجی، شکل دهد. نظریه کاشت با اشاعه برای ارائه الگویی از تحلیل، تبیین شده است؛ تا نشان دهنده تأثیر بلندمدت رسانه هایی باشد، که اساساً در سطح برداشت اجتماعی، عمل می کنند (احمدزاده کرمانی، ۱۳۹۰: ۳۳۶). در واقع، محور اصلی بحث گربنر این است که اهمیت تاریخی رسانه ها بیشتر در ایجاد شیوه های مشترک محصول استفاده از تکنولوژی و نظام ارائه پیام است که نقش واسطه را به عهده دارند و به درک مشترک از جهان اطراف منجر می شود. گربنر محصول چنین فرایندی را کاشت الگوهای مسلط ذهنی می نامد. از نظر وی رسانه ها متمایل به ارائه دیدگاه های هم شکل و کم و بیش یکسان از واقعیت اجتماعی هستند و مخاطبان آن ها براساس این چنین مکانیسمی فرهنگ پذیری می شوند. گربنر تا آن جا پیش می رود که می گوید، رسانه ها به دلیل نظم و هماهنگی که در ارائه پیام در طول زمان دارند قدرت تأثیر گذاری فراوانی دارند؛ به طوری که باید آن ها را شکل دهنده جامعه دانست.

براساس نظریه کاشت می توان استنباط کرد که بین میزان استفاده از شبکه های اجتماعی و استحکام خانواده ایرانی موثر است، و هر چه میزان استفاده از شبکه های اجتماعی بیشتر باشد میزان تأثیر پذیری کاربران بیشتر می باشد. و بالعکس هر چه میزان استفاده کمتر شود، میزان تأثیر پذیری آنها کمتر خواهد شد.

۲-۳. نظریه استفاده و رضایت مندی:

این نظریه ضمن فعال کردن مخاطب، بر نیازها و انگیزه های وی در استفاده از رسانه ها تأکید می کند

و بر آن است که ارزش‌ها، علایق و نقش اجتماعی مخاطبان مهم است و مردم بر اساس این عوامل آن‌چه را می‌خواهند ببینند و بشنوند، انتخاب می‌کنند.

پرسش اساس این نظریه استفاده و رضایت‌مندی این است که چرا مردم از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و آن‌ها را برای چه منظوری به کار می‌گیرند؟ پاسخی که به اجمال داده می‌شود این است که مردم برای کسب راهنمایی، آرامش، سازگاری، اطلاعات و شکل‌گیری هویت شخصی، از رسانه‌ها استفاده می‌کنند (مک‌کویل، ۱۳۸۸: ۱۰۴). در واقع، این نظریه علت اصلی استفاده مردم از رسانه‌ای خاص را با دلایل کارکردی توضیح می‌دهد و برای مخاطبان نیازهایی را متصور می‌شود که افراد برای رفع آن به سمت رسانه‌ها روی می‌آورند. حال اگر چنان‌چه رسانه مورد نظر بتواند نیاز فرد را به خوبی رفع کند و بین محتوای رسانه و نیاز فرد همخوانی وجود داشته باشد، فرد ارضاء و خشنود می‌شود و در غیراینصورت نیاز وی ارضاء نشده باقی می‌ماند و وی را رسانه‌های مورد نظر رویگردان می‌شود (هرمز، ۱۳۸۰: ۱۴۸). فرض اصلی این نظریه این است که افراد مخاطب، کم و بیش به صورت فعال، به دنبال محتوایی هستند که بیشترین رضایت را برای آنان فراهم سازد. میزان این رضایت بستگی به نیازها و علایق فرد دارد.

رسانه‌های نوین کارکردهای مختلفی از جمله انتقال اطلاعات، آموزش، سرگرمی و پر کردن اوقات فراغت مخاطبان را بر عهده دارند. شبکه‌های اجتماعی مجازی، به دلیل برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر: بی‌مکانی، فرازمانی، عدم محدودیت به قوانین مدنی متکی بر دولت‌ها و ملت‌ها، قابل دسترس بودن به طور همزمان، برخورداری از فضاهای فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی و سیاسی جدید و خصوصاً داشتن پویایی و آزادی عمل کاربران در استفاده از آن، توانسته‌اند روز به روز مخاطبان بیشتری را جذب کنند و هر یک از این مخاطبان متناسب با ویژگی‌های فردی و اجتماعی خود، استفاده‌های خاصی از این رسانه‌ها می‌کنند و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند. لذا در این فرایند تأثیرپذیری کاربران در استفاده از شبکه‌های اجتماعی (عواملی نقش دارند که در زیر به اختصار به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

کاربران بر اساس نظریه استفاده و رضایت‌مندی با توجه به بافت اجتماعی خود، انگیزه‌ها و اهداف متفاوتی را در استفاده از رسانه‌های اجتماعی دنبال می‌کنند و بر این اساس بازخوردهای متفاوتی نیز

از ارتباط با این رسانه‌ها می‌گیرند و آن‌ها را در ارزش‌ها، احساسات و شناخت‌های خود اعمال می‌کنند. بنابراین هر چه اهداف و انگیزه‌های کاربران در استفاده از رسانه‌های اجتماعی هدفمندتر باشد، احتمال تأثیرپذیری آن‌ها بیشتر خواهد بود. و هر چه قدر اهداف و انگیزه‌های کاربران در استفاده از رسانه‌های اجتماعی، غیرهدف‌مند باشد، احتمال تأثیرپذیری آن‌ها کمتر خواهد بود. در واقع، انگیزه و هدف کاربران در استفاده از شبکه‌های اجتماعی یکی از عوامل تأثیرگذار بر تربیت کاربران قلمداد می‌شود؛ بدین گونه که هر چه فرد بیشتر به منظور کسب اخبار و اطلاعات (سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...) برقراری ارتباط با دوستان، آشنایان و همکلاسی‌ها، دوست‌یابی و ارتباط با دوستان قدیمی، تشکیل گروه و شرکت در بحث‌ها و امکانات دیگر، بیان احساسات و عواطف خود، دیدن عکس‌ها و فعالیت‌های دوستان خود، به اشتراک‌گذاری هرگونه ویدئو، عکس، کلیپ و غیره، پیگیری و دنبال کردن مباحث مورد علاقه خود، گوش دادن به موسیقی، آشنایی با سبک ارتباطات مدرن و مجازی از رسانه‌های اجتماعی استفاده کند، بیشتر از رابطه خود با شبکه‌های اجتماعی در جهت بازیابی تربیت خود بهره می‌برد و لذا احتمال تأثیرپذیری وی بیشتر است. برعکس هر چه کاربر بیشتر به منظور تفریح، بازی، سرگرمی و وقت‌گذرانی و هم‌چنین فرار از مشکلات زندگی روزمره و تنهایی استفاده کند، کمتر از رابطه خود با شبکه‌های اجتماعی در جهت بازیابی تربیت خود بهره می‌برد و لذا احتمال تأثیرپذیری وی کمتر خواهد بود.

۳-۳. نظریه ساخت‌یابی:

نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز، به نوعی تلفیق بین تعامل‌گرایی و ساختارگرایی است. گیدنز برای تلفیق ساختار و کنش، مفهوم ساخت‌یابی را وضع کرده است. هدف گیدنز، تلفیق و سازگاری بین ساختار نهادی و عاملیت فردی در قالب یک الگوی ترکیبی نظریه اجتماعی است. او استدلال می‌کند که کنش‌های روزمره مانند خرید کردن، به دانشگاه رفتن و غیره هم تولید (زاینده) و هم بازتولید (زاینده) ساختارهای اجتماعی است (عدلی‌پور و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰).

طبق نظریه ساخت‌یابی، عامل انسانی و ساختار در ارتباط با یکدیگر قرار می‌گیرند؛ تکرار رفتارهای افراد، ساختارها را بازتولید می‌کند و به واسطه همین بازتولید ساختارها از سوی کنش انسانی، ساختارها برای کنش انسان‌ها محدودیت ایجاد می‌کنند. ساختار اجتماعی عمدتاً ناشی از فعالیت‌های روزمره افراد و تبعیت از قاعده است و ساختار به آن قواعدی بر می‌گردد که در چنین کنشی نهفته

است (کرایب، ۱۳۸۸: ۱۴۴). به بیان دیگر، این انسان‌ها هستند که ساختارها را می‌سازند، ولی این کار را تحت شرایط انتخابی‌شان انجام نمی‌دهند، بلکه این تولید و بازتولید ساختار را تحت شرایط و موقعیت‌هایی که مستقیماً با آن رو به رو می‌شوند و از گذشته به آن‌ها منتقل شده است، انجام می‌دهند. به این ترتیب گیدنز بر فرآیندی دیالکتیکی تأکید می‌کند که طی آن ساختار و آگاهی ساخته می‌شوند. به همین دلیل است که وی رابطه عاملیت و ساختار را به صورت فرایندی پویا و تاریخی در نظر می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۸۸: ۷۰۲).

نقطه تمرکز نظریه ساخت‌یابی، بر مفهوم جدایی زمان از مکان است، گیدنز چنین فرض می‌کند که تغییرات ساختاری در قدرت، به واسطه سطوح چندگانه جهانی شدن مانند مبادله پولی، پیشرفت‌های تکنولوژیک و دموکراسی سیاسی گسترده، باعث تغییر و دگرگونی حس ما از زمان و مکان شده است. در جوامع پیشامدرن، زمان و مکان یکنواخت و همبسته بودند، به این معنی که مردم به تعامل در مجاورت یکدیگر تمایل داشتند؛ اما یکی از پیامدهای مهم مدرنیته این است که ظرفیت ما برای زندگی و کار در گستره زمان و مکان به صورت مجزا از یکدیگر، گسترش یافته است.

به نظر گیدنز، کنش‌های روزمره به وسیله خودکنشگران به لحاظ ساختاری مقید می‌شود و تکنولوژی‌های رسانه‌ای نیز در این امر دخیل هستند. در فرایند امتداد زمان و مکان، تجربیات رسانه‌ای شده، قادر به وادار کردن رویدادهای متفاوت به درون آگاهی روزمره است که می‌تواند به احساس عدم امنیت و واژگونی واقعیت منجر می‌شود. برای وی، تجربیات رسانه‌ای شده، شرط بیرونی کنش هستند که به ما اطلاعات درباره دیگران می‌دهند و روایتی را که ما درباره دیگران داریم، تغییر می‌دهند (لفی، ۲۰۰۷: ۹۷).

براساس نظریه ساخت‌یابی گیدنز می‌توان استنباط کرد که شبکه‌های اجتماعی مجازی محصول و مخلوق کنش معنادار افراد است که چنین محیطی را خلق کرده‌اند، اما این محیط پس از شکل گرفتن محدودیت‌هایی را بر عاملان اعمال می‌کند. ساختار شبکه‌های اجتماعی اینترنتی براساس بازتولید یا تکرار همان رفتار مداوم افراد دوام می‌یابد. آنها در رویارویی با شبکه‌های اجتماعی مجازی برخلاف سایر رسانه‌های متعارف، صرفاً در رده تولیدکننده یا مصرف‌کننده قرار نمی‌گیرند، بلکه می‌توانند در صورت تمایل به طور همزمان این دو نقش را داشته باشند و در آن به تولید و بازتولید بپردازند، اما افراد در برخورد با این ساختار، میزان فعالیت و مشارکت متفاوتی دارند. در

واقع با استفاده از نظریه ساخت‌یابی می‌توان استنباط کرد که هر چه کاربران با فعالیت بازاندیشانه و مشارکت جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، بیشتر در تولید معنا سهیم هستند و لذا احتمال تأثیرپذیری آن‌ها بیشتر است، ولی هر چه کاربران منفعل و غیرمشارکت‌جویانه در شبکه‌های اجتماعی حضور یابند، کمتر در تولید معنا سهیم هستند و احتمال تأثیرپذیری آن‌ها کمتر خواهد بود. با توجه به چارچوب نظری پژوهش، فرضیه‌های زیر طرح می‌شوند:

فرضیه‌های تحقیق

۱- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل خانوادگی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

۲- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی - اجتماعی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

۳- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

۴- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

۵- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

۶- بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

۴- روش پژوهش:

در پژوهش حاضر، با توجه به موضوع مورد بررسی، نوع پژوهش پیمایشی می‌باشد. و ابزار گردآوری اطلاعات از نوع پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد که در ضمیمه این مقاله موجود می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق نیز شامل خانواده‌هایی که حداقل پنج سال زندگی مشترک در استان قم داشته باشند، می‌باشد و پرسشنامه تحقیق به صورت تصادفی در بین ۴۰۰ نفر از آنها توزیع شده است.

همچنین، در این پژوهش برای بررسی روایی پرسشنامه از روایی صوری استفاده شده است. بدین صورت که پرسشنامه محقق ساخته به تعدادی از صاحب‌نظران و اساتید مربوطه تقدیم شد و از آنها در

خصوص ارزیابی سوال‌های پژوهش نظر خواهی گردید. و برای پایایی ابزار تحقیق از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است و جهت محاسبه ضریب آلفای کرونباخ در این تحقیق، محقق تعداد ۲۰ پرسشنامه‌ها را وارد نرم‌افزار SPSS نمود که خروجی آن برای تمام متغیرهای تحقیق ضریب آلفای کرونباخ بیش از ۰/۸۸ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی بالای ابزار سنجش می‌باشد.

۵- تعریف مفاهیم عملیاتی تحقیق:

الف) متغیر مستقل تحقیق: تعریف شبکه‌های اجتماعی به طور مختصر در قسمت مبانی نظری اشاره شده است.

ب) متغیر وابسته: استحکام خانواده ایرانی

خانواده: خانواده گروهی از افراد است که از طریق خون، ازدواج یا فرزندخواندگی به هم پیوند خورده‌اند و کارکرد اجتماعی اصلی آنها تولید مثل است. (ساروخانی، ۱۳۷۹: ص ۱۳۵)

استحکام خانواده ایرانی: استحکام خانواده یعنی فراگیری اصل اعتدال میان همگان، حاکمیت اخلاق و حفظ حقوق همه‌ی اعضاست. اگر هدف از برقراری زوجیت و تشکیل خانواده، به تعبیر قرآن، «به سکونت رسیدن اعضاست». لازم است که همه‌ی رفتارها و تعاملات در راستای تحقق این هدف باشد و منظور از استحکام، به کمال رساندن همین سکونت است که با کمترین ظلم، نامردی و تحقیر حتی یک عضو در خانواده، سازگار نمی‌باشد.

در پژوهش حاضر، مفهوم استحکام خانواده با شش بعد عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی- اجتماعی، عوامل عاطفی و روانشناختی، عوامل ارتباطی، عوامل والدینی و عوامل مراقبتی تنظیم شده است. که بر اساس تعدادی سوال که در قالب طیف لیکرت تنظیم شده‌اند، سنجیده شده است. گویه‌های متغیر استحکام خانواده ایرانی به تفکیک هر یک از ابعاد در جدول شماره (۱) ارائه شده است.

۶- یافته‌ها و تحلیل:

۶-۱. سوالات پشتیبانی کننده

(جدول ۱) سوالات پشتیبانی کننده مربوط به هر یک از ابعاد استحکام خانواده

ایرانی

ردیف	ابعاد استحکام خانواده ایرانی	سوالات پرسشنامه
------	------------------------------	-----------------

۱	عوامل خانوادگی	۱-۱۰
۲	عوامل فرهنگی - اجتماعی	۱۱-۱۹
۳	عوامل عاطفی و روانشناختی	۲۰-۲۸
۴	عوامل ارتباطی	۲۹-۳۷
۵	عوامل والدینی	۳۸-۴۶
۶	عوامل مراقبتی	۴۷-۵۵
۷	ارزیابی کلی از استحکام خانواده ایرانی	۱-۵۵

۲-۶. تأثیر استفاده از شبکه های اجتماعی
(جدول ۲) توزیع نظر پاسخگویان در خصوص تأثیر استفاده از شبکه های اجتماعی
در استحکام خانواده ایرانی

جوابها	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
بسیار کم	۰	۰	۰
کم	۵	۱,۳	۱,۳
متوسط	۱۲۵	۳۱,۳	۳۲,۵
زیاد	۲۳۳	۵۸,۳	۹۰,۸
بسیار زیاد	۳۷	۹,۳	۱۰۰
جمع	۴۰۰	۱۰۰	
میانگین: ۳,۷۶	انحراف استاندارد: ۰,۶	واریانس: ۰,۳۹۶	

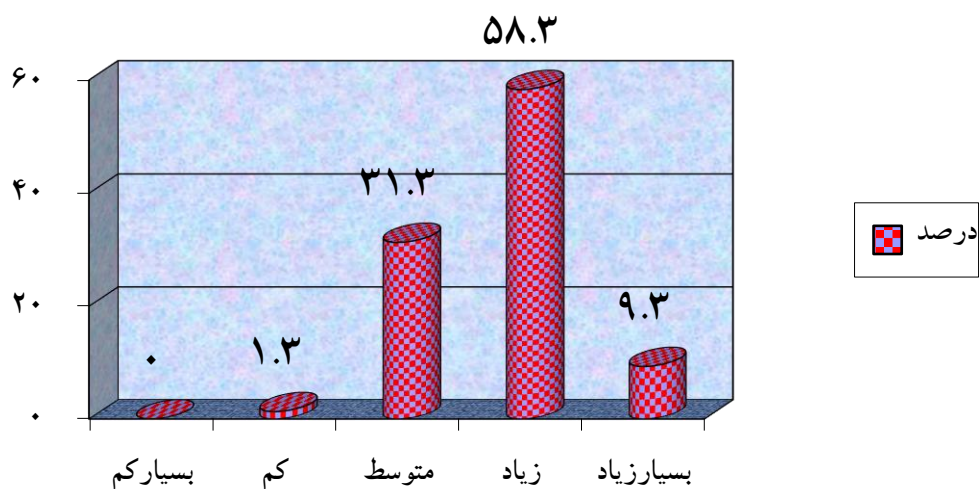
اطلاعات مندرج در جدول ۲ و نمودار ۱، حاکی از آن است که بیش از نیمی از پاسخگویان نمونه (۶۷,۶ درصد)، میزان تأثیر شبکه های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی را بسیار زیاد و زیاد ارزیابی کرده اند.
۳۱,۳ درصد تأثیر شبکه های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی را متوسط ارزیابی کرده اند. که رقم قابل توجهی می باشد و باید به آن نیز توجه کرد.

۱,۳ درصد تأثیر شبکه‌های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی را کم ارزیابی کرده‌اند. که رقم قابل توجهی نمی‌باشد و می‌توان از آن صرف‌نظر نمود.

گویه تأثیر شبکه‌های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی از ۱ تا ۵ امتیاز گرفته است. میانگین تأثیر شبکه‌های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی ۳,۷۶ می‌باشد. یعنی بیش از نیمی از پاسخگویان نمره بیش از میانگین دریافت کرده‌اند.

در مجموع در این تحقیق، تأثیر شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از شاخص‌های مهم تأثیرگذار بر استحکام خانواده ایرانی می‌باشد که طبق اطلاعات به دست آمده از جدول به کاهش فعالیت اعضای خانواده در شبکه‌های اجتماعی توجه بیشتری نمود.

(نمودار ۱) توزیع نظر پاسخگویان در خصوص تأثیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی



۶-۳. آزمون فرضیات تحقیق بر اساس نتایج آزمون همبستگی

فرضیه اول: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل خانوادگی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل خانوادگی استحکام خانواده ایرانی فرضیه آماری زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

H_0 : بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل خانوادگی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود ندارد.

H_1 : بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل خانوادگی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه آماری به شرح جدول زیر است:

(جدول ۳) نتایج آزمون همبستگی بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل خانوادگی استحکام خانواده ایرانی (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی
میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی	عوامل خانوادگی استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	/۵۱۰

نتایج آزمون همبستگی جدول ۳ بین متغیر مستقل (میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی) و متغیر وابسته (عوامل خانوادگی) نشان می‌دهد که بین این دو متغیر در سطح خطای ۰/۰۵ همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب به دست آمده برابر ۰/۵۱۰ می‌باشد که حاکی از شدت همبستگی بین دو متغیر مذکور است. بدین ترتیب فرض H_1 مبنی بر اینکه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل خانوادگی رابطه وجود دارد مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی- اجتماعی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی- اجتماعی استحکام خانواده ایرانی فرضیه آماری زیر مورد آزمون قرار می گیرد:

H₀: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی- اجتماعی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی- اجتماعی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه آماری به شرح جدول زیر است:

(جدول ۴) نتایج آزمون همبستگی بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی- اجتماعی استحکام خانواده ایرانی (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی
میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی	عوامل فرهنگی- اجتماعی استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	۰/۵۲۳

نتایج آزمون همبستگی جدول ۴ بین متغیر مستقل (میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی) و متغیر وابسته (عوامل فرهنگی- اجتماعی استحکام خانواده ایرانی) نشان می دهد که بین این دو متغیر در سطح خطای ۰/۰۵، همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب به دست آمده برابر ۰/۵۲۳ می باشد که حاکی از شدت همبستگی بین دو متغیر مذکور است. بدین ترتیب فرض H₁ مبنی بر اینکه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل فرهنگی- اجتماعی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد، مورد تایید قرار می گیرد.

فرضیه سوم: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی فرضیه آماری زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

H₀: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه آماری به شرح جدول زیر است:

(جدول ۵) نتایج آزمون همبستگی بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی
میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی	عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی	۰/۰۰۰	۴۰۰	۰/۵۶۲

نتایج آزمون همبستگی جدول ۵ بین متغیر مستقل (میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی) و متغیر وابسته (عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی) نشان می‌دهد که بین این دو متغیر در سطح خطای ۰/۰۵، همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب به دست آمده برابر ۰/۵۶۲ می‌باشد که حاکی از شدت همبستگی بین دو متغیر مذکور است. بدین ترتیب فرض H₁ مبنی بر

اینکه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل عاطفی و روانشناختی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد. مورد تایید قرار می گیرد.

فرضیه چهارم: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی، فرضیه آماری زیر مورد آزمون قرار می گیرد:

H₀: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه آماری به شرح جدول زیر است:

(جدول ۶) نتایج آزمون همبستگی بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی
میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی	عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	۰/۶۹۷

نتایج آزمون همبستگی جدول ۶ بین متغیر مستقل (میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی) و متغیر وابسته (عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی) نشان می دهد که بین این دو متغیر در سطح خطای ۰/۰۵ همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب به دست آمده برابر ۰/۶۹۷ می باشد که حاکی از شدت همبستگی بین دو متغیر مذکور است. بدین ترتیب فرض H₁ مبنی بر اینکه بین میزان

گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل ارتباطی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد. مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه پنجم: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی فرضیه آماری زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

H₀: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه آماری به شرح جدول زیر است:

(جدول ۷) نتایج آزمون همبستگی بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی
میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی	عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	/۰۵۹۲

نتایج آزمون همبستگی جدول ۷ بین متغیر مستقل (میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی) و متغیر وابسته (عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی) نشان می‌دهد که بین این دو متغیر در سطح خطای ۰/۰۵ همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب به دست آمده برابر ۰/۵۹۲ می‌باشد که حاکی از شدت همبستگی متوسط بین دو متغیر می‌باشد. بدین ترتیب فرض H₁ مبنی بر اینکه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل والدینی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه ششم: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

جهت بررسی رابطه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی فرضیه آماری زیر مورد آزمون قرار می‌گیرد:

H₀: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود ندارد.

H₁: بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون همبستگی فرضیه آماری به شرح جدول زیر است:

(جدول ۸) نتایج آزمون همبستگی بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی (منبع: یافته‌های تحقیق)

متغیر مستقل	متغیر وابسته	سطح معنی داری	تعداد	ضریب همبستگی
میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی	عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی	/۰۰۰	۴۰۰	./۴۲۵

نتایج آزمون همبستگی در جدول ۸ بین متغیر مستقل (میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی) و متغیر وابسته (عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی) نشان می‌دهد که بین این دو متغیر در سطح خطای ۰۰۵/، همبستگی مثبت و معنی داری وجود دارد. ضریب به دست آمده برابر ۴۲۵/، می‌باشد که حاکی از شدت همبستگی متوسط بین دو متغیر می‌باشد. بدین ترتیب فرض H₁ مبنی بر اینکه بین میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی و عوامل مراقبتی استحکام خانواده ایرانی رابطه وجود دارد مورد تایید قرار می‌گیرد.

۶-۴. تحلیل رگرسیون چند متغیره

در تحقیق حاضر بر آنیم تا تأثیر علی و همزمان متغیرهای مستقل یا تأثیرگذار را بر روی متغیر وابسته مشخص کنیم، به همین منظور از رگرسیون چند متغیره استفاده می‌کنیم. رگرسیون چند متغیره بر این اصل استوار است که هر چه بیشتر درباره فرد یا جامعه‌ای بدانیم، با دقت بیشتری می‌توانیم خصوصیات دیگر او را حدس بزنیم. کاربرد تحلیل رگرسیون چند متغیره مستلزم دقت و ملاحظات خاصی است. این تکنیک بر مفروضات آماری مختلفی استوار است و فقط برای انواع خاصی از روابط بین متغیرها قابل اعمال است. به طور کلی در این روش با اطلاعاتی که از یک رشته متغیر مستقل وجود دارد، مقادیر متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کنند. رگرسیون چند متغیره دارای روش‌های مختلفی است. روش مورد استفاده در این تحقیق، روش $Enter$ است.

در رگرسیون چند متغیره علامت‌های زیر به معنایی که برای آنها بیان شده، به کار می‌روند.

Y = متغیر وابسته

R = ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره

R^2 = ضریب تعیین

$d.f$ = درجه آزادی

f = مقدار آزمون فشر

$sig.f$ = سطح معناداری آزمون فشر

SEB = مقدار اشتباه استاندارد ضریب

$Beta$ = ضریب تأثیر متغیر مستقل استاندارد شده بر متغیر وابسته

T = استودنت برای آزمون معنی‌داری حضور هر متغیر مستقل در معادله t

$sig.T$ = سطح معناداری حضور هر متغیر مستقل در معادله

۱-تحلیل رگرسیون میزان گرایش به شبکه‌های اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی (متغیر وابسته تحقیق)

برای انجام تحلیل رگرسیونی استحکام خانواده ایرانی، تمامی متغیرهای تحقیق به برنامه رگرسیونی معرفی شدند. از مجموع ۶ متغیر معرفی شده به برنامه رگرسیونی از طریق روش Enter، همه متغیرها، به خاطر ضریب تأثیر رگرسیونی به معادله وارد شدند که به توضیح و تفسیر آنها و تأثیرگذاری آنها بر متغیر وابسته پرداخته می‌شود:

(جدول ۹) میزان تبیین متغیر وابسته (استحکام خانواده ایرانی) توسط متغیرهای باقیمانده در معادله رگرسیون

مدل	R	R ²	Adjust R Square	Std. Error of the Estimate
۱	۰,۸۷۳	۰,۷۶۳	۰,۷۵۹	۰,۳۰۸۶۷

بر اساس آنچه که در جدول ۹ به تصویر کشیده شده است، مقدار ضریب همبستگی رگرسیون چند متغیره ($R = 0/873$) بیانگر همبستگی شدید مجموعه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است. مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 0/763$) بیان کننده تبیین نسبت بالاتر از متوسطی از واریانس متغیر وابسته، توسط ۶ متغیر مستقل تحقیق است؛ یعنی با ورود همه متغیرهای عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی-اجتماعی، عوامل عاطفی و روانشناختی، عوامل ارتباطی، عوامل والدینی و عوامل مراقبتی حدود ۷۶ درصد از تغییر پذیری استحکام خانواده ایرانی توسط این عوامل تبیین می‌شود.

(جدول ۱۰) تحلیل واریانس برای معنی داری مدل

مدل	مجموع مجدور	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	Sig
۱ رگرسیون	۱۲۰,۵۴۶	۶	۲۰,۰۹۱	۲۱۰,۸۷۱	.۰۰۰
باقیمانده	۳۷,۴۴۴	۳۹۳	۰,۰۹۵		
جمع	۱۵۷,۹۹۰	۳۹۹			

مطابق جدول ۱۰، مقدار آزمون فیشر ($F = ۲۱۰,۸۷۱$) که در سطح کاملاً معناداری قرار دارد ($p < .۰۵$)، بیانگر رابطه معنادار متغیر وابسته (استحکام خانواده ایرانی) با مجموعه متغیرهای باقی مانده در معادله است.

(جدول ۱۱) رگرسیون چندمتغیره برای شناسایی (پیش بینی) عوامل مؤثر بر استحکام خانواده ایرانی

عنوان متغیر	B	SEB	Beta	T	Sig
عوامل خانوادگی	.۱۹۳	.۰۳۰	.۲۲۱	۶,۴۷۰	.۰۰۰
عوامل فرهنگی - اجتماعی	.۱۹۰	.۰۱۹	.۲۷۱	۱۰,۰۰۸	.۰۰۰
عوامل عاطفی و روانشناختی	.۱۵۳	.۰۲۳	.۱۹۷	۶,۷۷۰	.۰۰۰
عوامل ارتباطی	.۲۱۳	.۰۲۴	.۲۹۹	۸,۹۶۶	.۰۰۰
عوامل والدینی	.۱۸۲	.۰۲۵	.۲۲۳	۷,۲۵۸	.۰۰۰
عوامل مراقبتی	.۱۴۰	.۰۳۴	.۱۳۵	۴,۰۷۸	.۰۰۰

عدد ثابت (Constant)	۰,۲۷۳-	۰,۱۲۸		۲,۱۲۸-	۰,۰۳۴
---------------------	--------	-------	--	--------	-------

همانطور که در جدول ۱۱ و شکل ۱ مشاهده می‌شود، متغیر «عوامل ارتباطی» بیشترین تأثیر را بر استحکام خانواده داشته است (باضریب ۰/۲۹۹). بنابراین استحکام خانواده بیش از همه تابع عوامل ارتباطی است که از ویژگی‌های مهم حوزه استحکام خانواده به حساب می‌آید؛ به عبارتی، به ازای هر واحد کاهش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، کیفیت عوامل ارتباطی در استحکام خانواده ایرانی ۰/۲۹۹ واحد افزایش می‌یابد.

دومین متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر استحکام خانواده ایرانی داشته است «عوامل فرهنگی-اجتماعی» است (باضریب ۰/۲۷۱). طبق این نتیجه می‌توان گفت به ازای هر واحد کاهش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، کیفیت عوامل فرهنگی-اجتماعی در استحکام خانواده ایرانی ۰/۲۷۱ واحد افزایش می‌یابد.

سومین متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر استحکام خانواده ایرانی داشته است «عوامل والدینی» است (باضریب ۰/۲۲۳). طبق این نتیجه می‌توان گفت به ازای هر واحد کاهش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی کیفیت عوامل والدینی، در استحکام خانواده ایرانی ۰/۲۲۳ واحد افزایش می‌یابد.

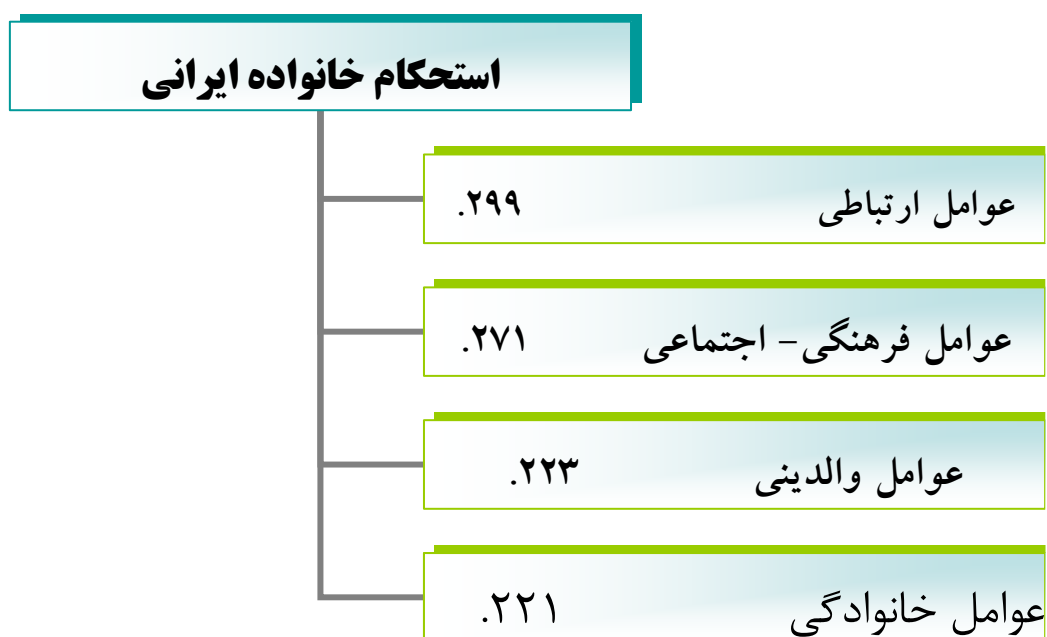
چهارمین متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر استحکام خانواده ایرانی داشته است «عوامل خانوادگی» است (باضریب ۰/۲۲۱). طبق این نتیجه می‌توان گفت به ازای هر واحد کاهش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، کیفیت عوامل خانوادگی در استحکام خانواده ایرانی ۰/۲۲۱ واحد افزایش می‌یابد.

پنجمین متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر استحکام خانواده ایرانی داشته است «عوامل عاطفی و روانشناختی» است (باضریب ۰/۱۹۷). طبق این نتیجه می‌توان گفت به ازای هر واحد کاهش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، کیفیت عوامل عاطفی و روانشناختی در استحکام خانواده ایرانی ۰/۱۹۷ واحد افزایش می‌یابد.

ششمین متغیری که بیشترین تأثیر را بر متغیر استحکام خانواده ایرانی داشته است «عوامل مراقبتی» است (باضریب ۰/۱۳۵). طبق این نتیجه می‌توان گفت به ازای هر واحد کاهش فعالیت در شبکه‌های اجتماعی، کیفیت عوامل مراقبتی در استحکام خانواده ایرانی ۰/۱۳۵ واحد افزایش می‌یابد.

همان‌طور که در خروجی ۱۱ ملاحظه می‌شود، تمام متغیرهای ورودی به معادله رگرسیون رابطه مستقیم با استحکام خانواده دارند و در سطح $P < 0/05$ معنی‌دار شده‌اند و بصورت مستقیم بر متغیر وابسته تحقیق (استحکام خانواده ایرانی) تأثیرگذار می‌باشد.

(شکل ۱) مدل تحلیل رگرسیون تأثیرات متغیرهای مستقل بر استحکام خانواده ایرانی



بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد با توجه به آزمون همبستگی پیرسون تمام شش فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار گرفته و با توجه به ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده، رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته از شدت بالایی برخوردار می‌باشد. در تحلیل آزمون رگرسیون با توجه به مقدار ضریب تعیین ($R^2 = 0/763$) بیان‌کننده تبیین نسبت بالاتر از متوسطی از واریانس متغیر وابسته، توسط ۶ متغیر مستقل تحقیق است؛ یعنی با ورود همه متغیرهای عوامل خانوادگی، عوامل فرهنگی - اجتماعی، عوامل عاطفی و روانشناختی، عوامل ارتباطی، عوامل والدینی و عوامل مراقبتی حدود ۷۶ درصد از تغییر پذیری

استحکام خانواده ایرانی توسط این عوامل تبیین می‌شود. که این به این معنی است تنها ۲۴ درصد استحکام خانواده ایرانی به عوامل دیگری وابسته است که باید در تحقیق جداگانه این عوامل نیز احصاء گردد.

نتایج بدست آمده از تحقیق در بعد عوامل ارتباطی با نتایج پژوهش پیر جلیلی (۱۳۹۷) که نشان داد استنباط نظری ناظر بر این بود که عضویت و استفاده زوجین از شبکه اجتماعی تلگرام بدون آگاهی از سواد رسانه‌ای، منجر به تنش در روابط خانوادگی آنان خواهد شد، هماهنگ است.

نتایج بدست آمده از تحقیق در بعد عوامل والدینی و عاطفی و روانشناختی با نتایج پژوهش رضائی و پورجلیلی (۱۳۹۷) که نشان دادند بین میزان ساعات استفاده از شبکه‌های مجازی و میزان انسجام خانواده رابطه معنی‌دار و معکوس وجود داشت و در بررسی ابعاد انسجام خانواده، متغیرهای میزان مطلوبیت روابط زناشویی و روابط فرزندان و والدین با میزان استفاده از شبکه‌های مجازی رابطه معنی‌دار و معکوس، اما با متغیر میزان مطلوبیت مناسبات خانوادگی رابطه معنی‌داری به دست نیامد. همچنین بین نوع فعالیت رد شبکه‌های مجازی و میزان انسجام خانواده‌ها تفاوت معنی‌دار نبود، اما میزان انسجام خانواده‌ها بر حسب تحصیلات متفاوت گزارش شد، هماهنگ است.

نتایج بدست آمده از تحقیق در بعد کلی استحکام خانواده ایرانی با نتایج پژوهش نامنی و همکاران (۱۳۹۷) که نشان داد رابطه اشتیاق به شبکه‌های اجتماعی و سبک دل‌بستگی با انسجام خانواده در زنان متأهل یک رابطه خطی ساده نیست و هیجان‌خواهی می‌تواند این رابطه را میانجی نماید، هماهنگ است.

نتایج بدست آمده از تحقیق با نتایج پژوهش خجیر (۱۳۹۶) که نشان داد مهم‌ترین قوت این شبکه‌ها و نرم‌افزار تلفن همراه قوی‌تر شدن پیوند بین اعضای خانواده‌ای که به لحاظ جغرافیایی از هم دور هستند و تقویت ارتباطات ارزان، دائمی و مناسب بین اعضای خانواده و مهم‌ترین ضعف طراحی ساختار شبکه‌ها بر اساس فرهنگ غرب و عدم تطابق آن با محیط ایرانی اسلامی خانواده (برخلاف شبکه‌های بومی)، مهم‌ترین فرصت استفاده از ظرفیت آنها در معرفی فرهنگ اصیل خانواده‌ی ایرانی اسلامی و گسترش آن در بین کاربران و مهم‌ترین تهدید تغییر سبک زندگی و ترویج جدایی خانواده به مثابه مهم‌ترین نهاد اجتماعی در فرهنگ اسلامی و ایرانی است، هماهنگ است.

نتایج بدست آمده از تحقیق با نتایج حسین‌پور و عرب مومنی (۱۳۹۶) که نشان داد بین شبکه‌های

اجتماعی مجازی و هویت نهاد خانواده رابطه معناداری وجود دارد و برخی ویژگی‌های شبکه‌های اجتماعی مجازی از جمله محیط تعاملی، فضای صمیمی و احساس رضایت، گروه‌ها و اجتماعات مجازی و محتوا و تولیدات شبکه‌های اجتماعی تأثیر غیرقابل انکاری بر هویت نهاد خانواده و ارزش‌های این نهاد مقدس داد، هماهنگ است.

نتایج بدست آمده از تحقیق با نتایج رحیمی و همکاران (۱۳۹۶) که نشان داد تفاوت معناداری بین زوجین کاربر و غیر کاربر شبکه‌های اجتماعی مجازی از نظر سست شدن پیوندهای خویشاوندی، گرایش‌های انزواجویانه، عدم پابندی به تعهدات زناشویی، سردی روابط و بی‌اعتمادی زناشویی وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه و تحلیل مسیر، نشانه آن است که در مجموع ۶۴٪ تغییرات جاری در خانواده‌های شهر تهران بستگی به استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی دارد، هماهنگ است.

نتایج به دست آمده از تحقیق با نتایج پژوهش گروهول (۲۰۰۳) در خصوص دلایل گرایش افراد به شبکه‌های اجتماعی و استفاده اعتیادآور از آن هماهنگ است و نشان داد افرادی که وقت زیادی را صرف استفاده از این شبکه‌ها می‌کنند، کسانی هستند که در زندگی با مشکلاتی مواجه‌اند. این افراد با صرف زمان زیادی برای دستیابی به اطلاعاتی که در بسیاری از مواقع بیهوده است، علاوه بر اتلاف وقت خود، دچار آسیب‌های این شبکه‌ها نیز می‌شوند. به وضوح و تجربه می‌توان دریافت که استفاده از این شبکه اجتماعی و سایر شبکه‌های نظیر آن با از میان برداشتن پرده‌ها و موانع و حجاب‌ها و وصل کردن همه اعضای آن بدون هیچ محدودیتی به همدیگر، باعث رنگ باختن برخی ارزش‌ها شده است (مرادی، رجب‌پور، کیان‌ارثی، حاجلو و رادبخش، ۱۳۹۳). سلیمانی‌پور (۱۳۸۹) پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی را بدین شرح عنوان داشت: منزوی شدن از محیط‌های واقعی اجتماع، شکل‌گیری و ترویج سریع شایعات و اخبار کذب، تبلیغات ضد دین و شبهات، نقض حریم خصوصی افراد. ضعف شخصیتی یکی دیگر از این آسیب‌ها محسوب می‌شود. از دیگر آسیب‌ها می‌توان به ضعف توانایی‌های فردی اشاره نمود. سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۱) سلامت روان را حالتی از بهزیستی می‌داند که ضمن آن افراد قادر می‌شوند تا توانایی‌های خویش را درک و با فشار آورهای عادی زندگی انطباق پیدا کنند، و با تولیدگری، در ساختن جامعه خود سهیم شوند (هرمان و اسکی-هار، ۲۰۰۵).

این یافته‌ها با نتایج پژوهش کیان، یعقوبی ملال و ریاحی‌نیا (۱۳۹۴) که نشان دادند آسیب‌زاترین اثر ناشی از شبکه‌های اجتماعی مجازی، صرف زمان زیاد در این شبکه‌ها است که می‌تواند به روند تحصیلی فرزندان آسیب برساند، هماهنگ است. این یافته‌ها با یافته‌های دسروسیرس و میلر (۲۰۰۷) که نشان دهنده این بود که نوجوانانی که از اعتقادات مذهبی قوی‌ترین برخوردارند، نسبت به مقابله با فشارهای روانی، از نیروی بیش‌تری برخوردارند و سلامت روانی آن‌ها بالاتر است، هماهنگ است. یافته‌های به‌دست آمده با نتایج پژوهش رایان و ژنوس (۲۰۱۱) مبنی بر این که کاربران شبکه اجتماعی مجازی فیس‌بوک بیش‌تر برون‌گرا هستند، اما احساس تنهایی خانوادگی بیشتری دارند، هماهنگ است، ولی با یافته دیگر آن‌ها مبنی بر این که افرادی که از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده نمی‌کنند، به احتمال بیش‌تری باوجدان، کم‌رو و به لحاظ اجتماعی تنها هستند، همسو نیست. یافته‌های حاصل با یافته‌های پژوهش شیهان (۲۰۰۲) و مسینا (۲۰۰۷) که دلالت بر این داشت افرادی که احساس تنهایی می‌کنند یا از زندگی روزمره خود انزجار دارند، به دنبال صمیمیت در اینترنت می‌گردند، هماهنگ است.

نتایج به‌دست آمده از تحقیق با نتایج پژوهش عدلی‌پور، سپهری و علیزاده (۱۳۹۲) مبنی بر اینکه شبکه‌های اجتماعی مجازی نظیر فیس‌بوک به کاهش فعالیت‌های روزانه در محیط خانواده، بی‌اعتمادی والدین به فرزندان، کاهش ارتباطات رودر رو با افراد خانواده شده است، هماهنگ می‌باشد. نتایج به دست آمده از تحقیق در بعد عوامل فرهنگی - اجتماعی با نتایج پژوهش (رسول‌زاده اقدم، اخیایی، عدلی‌پور و سهرابی، ۱۳۹۳). مبنی بر انزوای اجتماعی از لحاظ مفهومی در تقابل با درگیری اجتماعی، انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی قرار دارد و با از خودبیگانگی، احساس تنهایی و کناره‌گیری نزدیکی مفهومی دارد. بر این اساس فرد از ورود به جامعه دوری می‌کند و اوقات خود را بیش‌تر در انزوا و تنهایی و سرگردانی در فضای مجازی طی می‌کند و از ورود به اجتماعی واقعی طفره می‌رود. وسعت عمل و انعطاف‌پذیری بی‌حد فضای مجازی گاهی منجر به تغییرات اساسی در ارکان جامعه شده است.

یافته‌های تحقیق با نتایج پژوهش شارع‌پور، ریاحی و آرمان (۱۳۹۳) مبنی بر اینکه متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق، روابط اجتماعی، تحصیلات، مشارکت رسمی، ارزش‌ها و هنجارها و نوع دوستی تأثیر معناداری بر سلامت روانی افراد دارند، هماهنگ است.

یافته های تحقیق در بعد عوامل والدینی و عوامل عاطفی و روانشناختی با یافته های پژوهش ابوالقاسمی و جوانمیری (۱۳۹۱) که نشان دادند سطوح بالای سلامت روانی و خودکارآمدی، پیشرفت تحصیلی را افزایش می دهند هماهنگ است. و در صورتی که فعالیت اعضای خانواده در شبکه های اجتماعی بیش از حد باشد باعث افت تحصیلی فرزندان می گردد.

یافته های تحقیق در بعد عوامل عاطفی و روانشناختی با یافته های پژوهش چاوش زاده (۱۳۸۸) که نشان داد افرادی که به شبکه های اجتماعی وابستگی دارند، علائم بیشتری از افسردگی، اضطراب و شکایات جسمانی و کارکرد اجتماعی نامناسب از خود نشان می دهند، همسو است.

فهرست منابع:

۱. ابوالقاسمی، عباس و جوانمیری، لیلا. (۱۳۹۱). نقش مطلوبیت اجتماعی، سلامت روانی و خودکارآمدی در پیش بینی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر. روان شناسی مدرسه، ۱(۲)، ۲۰-۶.
۲. احمدزاده کرمانی، ر.ا. (۱۳۹۰). بازاندیشی در فرهنگ رسانه. تهران: نشر چاپار.
۳. بینام، ا.ع. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی و گرایش دینی (مورد پژوهی: دانشجویان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران). مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه های اجتماعی. تهران پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.
۴. پیرجلیلی و همکاران (۱۳۹۷)، آسیب شناسی تأثیر شبکه اجتماعی تلگرام بر روابط خانوادگی زوجین (شهر تهران سال ۱۳۹۵)، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره نهم، شماره اول.
۵. چاوش زاده، زهراسادات. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین متغیرهای سلامت روان و اعتیاد به اینترنت در بین جوانان شهر یزد. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
۶. حسین پور، جعفر و عرب مومنی، علی (۱۳۹۶)، تأثیر شبکه های اجتماعی مجازی بر هویت نهاد خانواده، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۲.
۷. حسین زاده، ا.ع؛ و دیگری. (۱۳۸۹). تحلیل عوامل آسیب زای تربیت دینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر. زن و مطالعات خانواده. سال دوم، شماره ۷.
۸. خجیر یوسف (۱۳۹۶)، آسیب شناسی استفاده از شبکه های اجتماعی و نرم افزارهای تلفن

- همراه در خانواده‌ی ایرانی (با تأکید بر نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید)، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده، دوره بیستم، شماره ۷۷.
۹. رحیمی، محمد و همکاران، (۱۳۹۶)، بررسی جامعه شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی و تغییرات جاری در خانواده‌ها، پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۸.
 ۱۰. رسول‌زاده اقدم، صمد، احیایی، پویان، عدلی‌پور، صمد و سهرابی، مریم. (۱۳۹۳). تحلیل رابطه حضور در شبکه اجتماعی فیس‌بوک و انزوای اجتماعی در بین جوانان شهر تبریز. توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، ۸(۴)، ۱۳۳-۱۵۴.
 ۱۱. رضائی، سیده سمانه و پورجلی، ربابه (۱۳۹۷)، بررسی رابطه میزان ساعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی (مجازی) و میزان انسجام اجتماعی خانواده در بین خانواده‌های شهر نقده، مطالعات جامعه شناسی، سال دهم، شماره ۳۸.
 ۱۲. ساروخانی، باقر: «جامعه‌شناسی خانواده»، تهران، سروش، ۱۳۷۹.
 ۱۳. سلیمانی‌پور، روح‌الله. (۱۳۸۹). شبکه‌های اجتماعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها. ره‌آورد نور، ۹(۳۱)، ۱۴-۱۹.
 ۱۴. شارع‌پور، محمود، ریاحی، محمد اسماعیل و آرمان، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر سلامت روان: مطالعه شهروندان ساکن تهران. مسائل اجتماعی ایران، ۱۵(۱)، ۷۹-۱۰۰.
 ۱۵. شکوهی، غ، ح. (۱۳۸۷). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
 ۱۶. عباسی قادی، م؛ و دیگری. (۱۳۹۰). تأثیر اینترنت بر هویت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 ۱۷. عدلی‌پور، ص؛ و دیگری. (۱۳۹۲). تأثیر فیس‌بوک بر میزان دین‌داری دانشجویان دانشگاه تهران. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی. (جلد ششم)، بوشهر: موسسه سفیران فرهنگی مبین.
 ۱۸. عدلی‌پور، ص؛ و دیگری. (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی. تهران: پارسینه.
 ۱۹. فلاحی، علی (۱۳۹۵)، تحلیل کیفی و کمی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی در ساختار خانواده، فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده، سال یازدهم، شماره ۳۵.
 ۲۰. قاسمی، و؛ و دیگران. (۱۳۹۱). تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان؛ مطالعه موردی فیس‌بوک و جوانان شهر اصفهان. دو

فصلنامه دین و ارتباطات. سال نوزدهم، شماره ۲.

۲۱. کیان، مرجان، یعقوبی ملال، نیما و ریاحی‌نیا، نصرت. (۱۳۹۴). واکاوی نقش و کاربرد شبکه‌های اجتماعی مجازی برای دانشجویان. فناوری آموزش و یادگیری، ۱ (۳)، ۷۰-۸۸.

۲۲. مرادی، شهاب، رجب‌پور، مجتبی، کیان‌ارثی، فرحناز، حاجلو، نادر و رادبخش، ناهید. (۱۳۹۳). انگیزه‌های استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۴ (۱)، ۹۵-۱۱۸.

۲۳. مزینانی، ک. (۱۳۹۲). بررسی رابطه استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و هویت دینی کاربران. مجموعه مقالات همایش تخصصی شبکه‌های اجتماعی. تهران: پژوهشکده فناوری اطلاعات و ارتباطات جهاد دانشگاهی.

۲۴. مک کوایل، د. (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی. ترجمه: پ، اجالالی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

۲۵. نامنی، ابراهیم و نجفی، فاطمه (۱۳۹۷)، نقش میانجی گرایانه هیجان خواهی در رابطه اشتیاق به شبکه‌های اجتماعی و سبک دل‌بستگی با انسجام خانواده در زنان متأهل، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی دانشگاه علامه طباطبائی، سال نهم، شماره ۳۶.

۲۶. نجفی سولاری، حسن. (۱۳۸۹). مدل حمایت از شبکه‌های اجتماعی. ایران، تهران، ۳۶.

۲۷. هدایتی، عزیز؛ و دیگران. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی شبکه‌های اجتماعی مجازی موبایل محور در زمینه تربیت دینی (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تبریز).

مطالعات جامعه‌شناسی. سال هشتم، شماره سی و یکم، ص ۴۵-۲۳.

۲۸. هرمز، م. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی. تهران: انتشارات فاران.

۲۹. Borgatti, S. P., & Cross, R. (2003). A relational view of information seeking and learning in social networks. Management science, 49(4), 432-445.

۳۰. Boyd, D. & Ellison, N. (2007). Social Network Sites: Definition, History and Scholarship. Journal of Computer- Mediated Communication. Vol. 133.

۳۱. Campbell, H. (2012). The Relationship between Facebook use and Religiosity among Emerging Adults. Ph. D Thesis, University of South Carplina.

۳۲. Desrosiers, A., & Miller, L (2007). Relational spirituality and depression in adolescent girls. Journal of Clinical Psychology, 63(10), 1021-1037.

۳۳. Gee, S. B., Croucher, M. J., & Beveridge, J. (2010). Measuring Outcomes in Mental Health Services for Older People: An evaluation of the Health of the Nation Outcome Scales for elderly people (HoNOS65+), International Journal of Disability, Development and Education, 57(2), 155-174.

- ۳۴. Grasmuck, S. (2012). Facebook and Religiosity. *Mediterranean Journal of Social Sciences*. Vol. 4, No. 6.
- ۳۵. Grohol, J. (2003). Internet addiction guide, retrieved from the [www.psychcentral.com/ netaddiction](http://www.psychcentral.com/netaddiction).
- ۳۶. Hamade, S. N. (2013). Perception and use of social networking sites among university students. *Library Review*, 68(6/7), 388-397.
- ۳۷. Herman, H. (2005). Promoting mental health. Geneva: WHO.
- ۳۸. Massari, L. (2010). Analysis of My Space user profiles. *Information Systems Frontiers*, 1-7.
- ۳۹. Messina, J. (2007). Helping students cope with Homesickness. *University Business*, 116(10), 80-180.
- ۴۰. Ryan, T., & Xenos, S. (2011). Who uses Facebook? An investigation into the relationship between the Big Five, shyness, narcissism, loneliness, and Facebook usage. *Computers in Human Behaviour*, 27, 1658-1664.
- ۴۱. Salaway, G., & Caruso, J. (2008). The ecar study of undergraduate students and information technology, 2007-key findings. Retrieved from www.educause.edu/ecar.
- ۴۲. Sheehan, K. B. (2002). Of surfing, searching, and newshounds: A typology of internet users online sessions. *Journal of Advertising Research*, 42, 62-71.
- ۴۳. Tyler, T. (2012). Social networking and Globalization. *Mediterranean Journal of Social Sciences*. Vol. 4, No. 6.
- ۴۴. Wall, D. (2001). *Crime and the Internet*, London: Routledge.



Pathology of Social Media in Strengthening Iranian Family Resilience

Abstract

This study aims to determine the pathology of social media in strengthening Iranian family resilience. The exponential growth of social media and its socio-cultural consequences necessitate critical research on these platforms. The present study is applied in purpose and survey-based in methodology. Data were collected through field research using a researcher-developed questionnaire. The statistical population comprises families cohabiting for at least five years in Qom Province, Iran. From this unlimited population, a sample of 400 individuals was selected through systematic stratified sampling using Morgan's table. Results indicated that all six research hypotheses were confirmed via Pearson's correlation test, revealing strong correlations (based on Pearson coefficients) between independent and dependent variables. Regression analysis demonstrated a coefficient of determination ($R^2 = 0.763$), indicating that the six independent variables collectively explain 76% of the variance in Iranian family resilience. Specifically, the combined influence of: Familial factors, Socio-cultural factors, Emotional-psychological factors, Communicative factors, Parental factors, Caregiving factors, accounts for this variance. Consequently, the remaining 24% of influencing factors on family resilience require investigation in separate research.

Keywords:

Social Media, Social Media Pathologies, Familial Factors, Socio-Cultural Factors, Emotional-Psychological Factors, Communicative Factors, Parental Factors, Caregiving Factors.